

بررسی جامعه‌شناختی رابطه متقابل کتابخانه و جامعه

اثر: محمد اسماعیل ریاحی*

چکیده:

در این مقاله سعی شده است تا با دیدگاهی جامعه‌شناسانه، رابطه متقابل کتابخانه - به عنوان یک سازمان اجتماعی - و جامعه - به عنوان مجموعه‌ای متشکل از سازمانها و نهادهای اجتماعی - مورد بررسی قرار گیرد. از منظر جامعه‌شناختی، کتابخانه در زمینه اطلاع‌رسانی و ایجاد ارتباطات، کارکردهای مهمی را برای جامعه ایفا می‌کند. همچنین، کتابخانه به عنوان بخشی از ساخت اجتماعی، از محیط اجتماعی تأثیر پذیرفته و به طور متقابل بر آن تأثیر می‌گذارد. از این رو یک ساخت اجتماعی پویا و دارای تحرک، بر شکل‌گیری کتابخانه‌های پویا، پرتحرک، مطلوب، و سودمند برای جامعه، تأثیر بسزایی خواهد داشت. رویهم‌رفته مقاله حاضر در سه بخش، به توضیح جامعه و نهادهای آن، نقش کتابخانه در برآورده کردن نیازهای اجتماعی، و نیز ذخیره سازی و اشاعه اطلاعات و دانش می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: حیات کتابخانه، ارتباط جامعه و فرهنگ، کارکردهای کتابخانه، برآورد نیازهای اجتماعی، نیازهای اطلاعاتی، اشاعه اطلاعات.

مقدمه:

از دیدگاه تاریخی، کتابخانه هم از لحاظ زمینه و محتوا، و هم از لحاظ کارکرد، یک سازمان تام اجتماعی بوده است. در واقع کتابخانه‌ها دو کارکرد داخلی و خارجی دارند؛

۱. کارکرد داخلی کتابخانه شامل ضبط تمامی تجربیات، آفرینشها، و نوآوریهای شناخته شده انسانی است.

۲. کارکرد خارجی کتابخانه به تمامی افراد، گروهها، سازمانها، و نهادها به عنوان دست اندرکاران و مصرف کنندگان بالقوه خدمات کتابخانه مربوط می شود. لازم به ذکر است، هنگامی که از کتابخانه به عنوان یک مؤسسه اجتماعی نام برده می شود باید آن را در ارتباط با کارکرد خارجی اش مورد بحث و بررسی قرار داد. این چشم انداز، مستلزم بررسی و توجه به مفاهیم سه گانه ای است که بر سازمان و تشکیلات کتابخانه تأثیر می گذارند:

الف. جامعه و نهادهای آن

ب. نقش کتابخانه در برآورده کردن نیازهای اجتماعی

ج. ذخیره سازی و اشاعه اطلاعات و دانش

الف) جامعه و نهادهای آن

علم جامعه شناسی که استخوان بندی علمی اش با آثار کلاسیک امیل دورکیم در اواخر نوزدهم تشکیل و تکمیل گردید، بر این نکته تأکید دارد که رفتار افراد، دگرگونیها و تغییرات اجتماعی، جریانهای اجتماعی و نظم و ثبات اجتماعی را باید در چارچوب شبکه اجتماعی و ساختار کلی اجتماع، مورد مطالعه و شناسایی قرار داد تا درک عمیقتری از آنها حاصل گردد. در واقع، جامعه گروه بزرگی از افراد سازمان یافته، مستمر، و پیوسته ای است که در اهداف، رفتار، و علایق وجوه اشتراک دارند. از سوی دیگر، فرهنگ، شیوه زندگی است که توسط جامعه تولید شده و به تعبیری مصنوعی فرآورده فکر و عمل انسانها است. در مقابل محیط طبیعی (متشکل از اتمسفر، هیدروسفر، لیتوسفر، و بیوسفر) که جامعه در آن زیسته و ادامه حیات می دهد. به تعبیری واضحتر، فرهنگ، شیوه راه و روش زندگی افراد است در حالی که جامعه، مجموعه سازمان یافته افرادی است که یک شیوه عمومی راه و روش معین زندگی دارند یعنی جامعه مرکب از افراد است و راه و روش رفتار

آنها فرهنگ است.

رویه‌مرفته فرهنگ از سه بخش تشکیل شده است.

۱. فرهنگ فنی، که در بردارنده مواد و لوازمی است که جامعه در جهت ماندگاری و بقا به کار می‌گیرد، به تعبیر دیگر فرهنگ فنی شامل آن دسته از مواد و ابزاری‌اند که نیازهای حیاتی انسان به غذا، مسکن، و پوشاک را برآورده می‌سازند.
۲. فرهنگ جامعه‌شناختی: شامل عناصر و اجزای سازمانی جامعه نظیر ساختارهای خانوادگی، اقتصادی و سیاسی است.

۳. فرهنگ ایدئولوژیک: در بردارنده نظام‌های ارزشی، فلسفی، عقاید مذهبی و سایر قواعدی است که توسط آنها کنش‌های جامعه به هنجار شده و نظم پیدا می‌کنند.

ارتباط جامعه و فرهنگ، توسط سازمان‌های اجتماعی بنیانی، یعنی نهادها برقرار می‌گردد، به این معنا که هر جامعه‌ای جهت پایداری و بقا فرهنگ خود، نهادهایی را تأسیس و مستقر می‌کند. در واقع نهاد، یک روش و طرز عمل است، یک روش سازمان یافته، رسمی، شناخته شده، مقبول و باثبات به منظور تکمیل یک فعالیت اجتماعی و یا انجام دادن وظیفه‌ای که علاوه بر سودمند بودن برای جامعه پاسخگوی نیازهای جامعه نیز می‌باشد. رویه‌مرفته، جوامع، پنج نیاز عمومی و مشترک را به رسمیت می‌شناسد؛

۱. فراهم آوردن کنترل اجتماعی، که سبب تأسیس نهاد سیاسی می‌گردد.
۲. تعلیم و تربیت عمومی، که نهاد آموزش را بنیان می‌نهد.
۳. فراهم کردن معاش از طریق تولید کالاها و خدمات، که نهاد اقتصاد را تأسیس می‌کند.
۴. توجه به اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه، که نهاد خانواده و خویشاوندی را ایجاد می‌نماید.
۵. نیاز به تشریح و توضیح مجهولات و ناشناخته‌ها که نهاد مذهب را بوجود می‌آورد!

نهادهای به منظور انجام فعالیتها و وظایف محوله، نیازمند سازمانها و مؤسساتی اند که میانجی بین آنها و افراد جامعه باشند، این نیازمندی خصوصاً در جوامع بزرگ و پیچیده، شدیدتر و ضروری تر است. بدین ترتیب هر یک از نهادهای اجتماعی، به منظور تعدیل و تنظیم جریان اطلاعات، کنترل فعالیتها، استقرار فرهنگ، و ارتباط با سایر نهادهای جامعه از مؤسسه‌های ارتباطات و سازمانهای ارتباطی سود می‌جویند. چنین مؤسساتی می‌توانند در تطور و تحول فرهنگی جامعه ایفای نقش نمایند که این نقش می‌تواند در بردارنده تفسیر و تعبیری از کارکردهای ایفا شده مؤسسات، برای خدمت به جامعه باشد^۲.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که کتابخانه یک مؤسسه ارتباطات است، گرچه موزه‌ها، گالریها، و وسایل ارتباط جمعی - روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون - نیز کارکرد ارتباطات را به عهده دارند با این حال تنها کتابخانه است که علاوه بر انجام کارکردهای کلی و عمومی سایر مؤسسات ارتباطی، عهده‌دار کارکردهای تاریخی نیز می‌باشد. از اینرو از بین تمامی مؤسسات ارتباطی، تنها کتابخانه است که به تمامی نهادهای جامعه خدمت می‌کند و می‌تواند به عنوان یک نیروی اساسی متحد کننده شناخته شود.

از آنجا که شکل‌گیری، رشد و حیات کتابخانه در بطن پیچیده‌ای از سازمان اجتماعی و ارزشها شکل می‌گیرد، هیچ بخشی از عملکرد آن در خلاء تنظیم نمی‌گردد؛ یعنی اینکه هر عنصر و جزئی از ساخت کتابخانه به عنصر و جزئی از ساخت اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی مرتبط است. یک چنین جبریت و تعیین اجتماعی درباره کتابخانه، به وضوح نیازمند آن است تا با استفاده از رویکرد ساختی - کارکردی (*Structural Functionlism*) عملکردهای کتابخانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. کارکردگرایی، به بررسی و مطالعه کتابخانه پرداخته و عملکردهای آن را بر حسب شرایط اجتماعی ای که می‌توانند در پیشبرد و غنی سازی حیات مفید کتابخانه مهم و مؤثر باشند از یکسو، و نیز پیشرفتهای و دستاوردهای ناشی از وجود کتابخانه در جامعه از سوی دیگر را مورد تجزیه و

تحلیل قرار دهند. کارکردهایی که کتابخانه می‌تواند برای جامعه انجام دهد، تقریباً به طور مطمئن، هیچ مؤسسه دیگری در جامعه نمی‌تواند به طور کامل از عهده آن برآید، و از اینروست که کتابخانه نقش یگانه و بی‌همتایی دارد.

در زمینه رابطه متقابل کتابخانه و جامعه باید گفت که، در واقع جامعه به عنوان علت یا متغیر مستقل، و کتابخانه به عنوان معلول یا متغیر وابسته عمل می‌کند، گرچه این وضعیت دو جانبه بوده و جای متغیرهای مستقل و وابسته می‌تواند عوض شود، با این حال عمدتاً جهت فشار و تأثیر از سوی جامعه به کتابخانه بوده است و شواهد موجود بیشتر حاکی از تأثیر مستقیم و بیواسطه جامعه بر شکل‌گیری، رشد، و حیات کتابخانه بوده است و کمتر شاهد چنین تأثیر مستقیم و بیواسطه‌ای از سوی کتابخانه بر ساخت و کارکرد جامعه بوده‌ایم.^۳

در مجموع به علت ارتباط تنگاتنگ و شدیدی که کتابخانه با اجسام و ارواح جامعه دارد، قادر به شکل دهی به منابع بوده و قادر است از طریق تفسیر و تعبیرهایش از وضعیت گذشته، حال، و آینده، عوامل و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فیزیکی محیط را تحت تأثیر قرار داده، اصلاح نماید یا حتی تخریب و نابود سازد.

جامعه، زمینه و پی‌نوشت کتابخانه نیست، بلکه جامعه، آغاز و انجام کتابخانه است. قدرت و نفوذ کتابخانه، بنابر تصویب جامعه، تنها در حد یکی از عناصر و اجزای جامعه است. موارد بی‌شماری از منازعات، وضع قوانین، و تحمیل تصمیمات، از جمله شواهدی‌اند که نشان می‌دهد کتابخانه تنها می‌تواند از امتیازاتی بهره‌مند گردد که توسط مسئولان و مجریان جامعه تأیید و تصویب شده‌اند. کتابخانه نمی‌تواند جدای از محیط اجتماعیش وجود داشته باشد، همانگونه که تاریخ و جغرافیا نمی‌توانند از زمان و مکان جدا گردند.

هر مؤسسه‌ای به شدت با محیط اطرافش مرتبط است، از این رو مؤسسه بخشی از جامعه است که به عنوان یک جریان ساخته شده توسط جامعه، در توسعه فرآیندهای اجتماعی سهمیم بوده، مشارکت و کارکرد دارد، لذا این مؤسسه

نمی‌تواند، خود به خلق و ایجاد جامعه اقدام نماید؛ بلکه خود محصول جامعه است. از این رو، کتابخانه محصول جامعه است و نه بنیان و شالوده‌ای که جامعه بر آن بنا شده باشد. کتابخانه نیز نظیر ارگانسیم، در معرض تغییر و تجدید دورانی قرار داشته و کارکردها و اهدافش را تعدیل می‌نماید.

ب) نقش کتابخانه در برآوردن نیازهای اجتماعی

امروزه، کارکردهای اجتماعی کتابخانه، به دنبال تغییر و انتقال از فلسفه عقلانی و فردی به یک فلسفه جمعی، بسیار مهمتر و جامعتر از هر زمان دیگری در تاریخ حیات اجتماعی بشر شده است. این تغییر و انتقال از قرن هجدهم آغاز گردید و به اکثر تفکرات عصر حاضر سرایت کرد. این تغییرات در واقع، اوج و نقطه اعلای جریان طولانی‌ای از شرایط اجتماعی بود که طی آن آگاهی جمعی جایگزین آگاهی فردی گردید. کارستد^۴ در بررسی جامعه شناختی خود از کتابخانه، بر پدیده مذکور به عنوان جایگزینی «آگاهی من»^۵ به وسیله «آگاهی ما»^۶ تأکید کرد. مجموعه‌ای از حوادث سیاسی، مذهبی و اقتصادی از جمله توسعه ارگانسیم اجتماعی کلان نظیر دولت - کشور^۷، این تغییر و انتقالی را تسریع کرده و شتاب بخشید. در زمانهای گذشته، یعنی از هنگامی که کتابخانه‌ها به عنوان جمع‌آورنده و نگهدارنده آثار مکتوب و منقوش تجارب و اندیشه‌های انسانی، تأسیس گردیدند، وجود قدرت شخصی و فقدان گروههای نهادی شده، به عنوان موانع بازدارنده توسعه مطلوب کتابخانه‌ها، در تمامی جوامع عمل کرده است.^۸

کتابخانه‌های نوین، تقریباً مقارن با آغاز انقلاب صنعتی و رسیدن جمعیت جهان به یک میلیارد نفر در شروع عصر روشنگری، شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. از این رو جهت درک و شناخت کامل نقش و کارکرد کتابخانه به عنوان یک مؤسسه اجتماعی، باید مراحل ویژه‌ای در تطور و تحول اجتماعی، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

توسعه امکانات و تواناییهای مطلوب کتابخانه‌ها در مناطق بسیار پیشرفته

جهان، در امتداد و همسو با زنجیره پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی صورت می‌گیرد. به تعبیری واضحتر، ویژگی، کارکرد، و تواناییهای کتابخانه‌ها در سراسر جهان، بسته به اوضاع اقتصادی - اجتماعی محیط، متفاوت است. به عنوان مثال جوامع جهان سوم، از لحاظ اقتصادی - اجتماعی به عنوان جوامع توسعه نیافته تعریف و مشخص می‌شوند و به همان نسبت در چنین جوامعی کتابخانه‌ها را نیز می‌توان با همین واژه تعریف و مشخص کرد.

کارکردهای داخلی و خارجی کتابخانه، در محیطی پویا و دارای تحرک اجتماعی - اقتصادی، نسبت به محیطی ایستا و دارای نهادهای اجتماعی - اقتصادی کم تحرک، شکل مطلوبتر و مفیدتری به خود می‌گیرند. اگر هیچگونه تغییری در محدوده‌های زمانی و مکانی زندگی رخ ندهد، ارتباط و مبادله علمی، فرهنگی و هنری چیزی جز فعالیت‌های حشو و بیهوده نخواهد بود. تغییر و تنوع به عنوان بخشی از جهان فیزیکی، برای جوامع انسانی نیز اموری طبیعی بوده و می‌تواند به عنوان علت وجودی کتابخانه در نظر گرفته شود. بدین معنی که کتابخانه مؤسسه‌ای است که توسط جامعه، و به منظور ضبط اسناد و مدارک و مستند کردن یافته‌های گوناگون محیط‌های اجتماعی و طبیعی ایجاد شده است.

در امتداد و راستای مجاری مصوب جامعه برای درک و فهم پدیده‌های اجتماعی، و نیز به منظور پاسخگویی به تغییرات و تنوعات بوجود آمده در محیط کتابخانه، کارکردهای کتابخانه در معرض دگرگونی، تجدید، و حتی جایگزینی قرار گرفته است و ممکن است کتابخانه‌ها عهده‌دار نقشهایی گردند که تاکنون آنها را تعریف و اجرا نکرده‌اند، ضمن اینکه ممکن است برخی از کارکردها در تضاد با همدیگر باشند، چرا که نیروهای اجتماعی شکل دهنده به ساخت و جایگاه کتابخانه، فراوان و گوناگون هستند.

ج) ذخیره سازی و اشاعه اطلاعات و دانش

مراقبت و نظارت بر سوابق و پیشینه‌های نوشتاری جامعه، شاید

قدیمی‌ترین، بادوام‌ترین، و قابل مشاهده‌ترین نقش کتابخانه باشد. جمع‌آوری، نگهداری، و سازماندهی کتابشناختی اطلاعات، و جوهی از نقش ذخیره‌سازی یا کارکرد بایگانی کتابخانه‌هاست. کارکرد ذخیره‌سازی، به طور اجتماعی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، چراکه از منظر تاریخی به غیر از کتابخانه، ساز و کار دیگری، قادر به نگهداری و ابقای دستاوردهای شفاهی و محاوره‌ای نسل‌های متوالی نیست. به تعبیری دیگر مطالب شفاهی و گفتاری، به سرعت در معرض حذف و تحریف، و تغییر و تبدیل قرار گرفته و حافظه شخصی افراد دچار فراموشی و اشتباه می‌گردد، در حالی که کتابخانه، با جمع‌آوری و نگهداری سوابق و پیشینه‌های معرفت بشری، و با تکیه بر تمامی کوششها و دستاوردهای انسانی، به طور مؤثری بر ارزش عقلانی دانش می‌افزاید. این نقش، در واقع نقش اساسی و محوری کتابخانه محسوب می‌گردد. توسعه شتابان صنعت چاپ و نشر، سبب تشدید و تقویت کارکرد ذخیره‌سازی و بایگانی معارف انسانی گردید در حالی که قبل از آن موانع مکانی و زمانی سبب شده بود تا ارتباطات دانشمندان تنها به صورت چهره به چهره باشد که این امر مانعی در جهت تشدید و تقویت منابع دانش بشری و ذخیره‌سازی آنها در کتابخانه‌ها محسوب می‌گردید.^۹

البته لازم به ذکر است که کارکرد ذخیره‌سازی، لزوماً اصیلترین ویژگی کتابخانه نیست. داستانهای زیاد و متنوعی در زمینه تاریخچه کتابداری نقل می‌شوند که در آنها کتابدار سالخورده‌ای، معمولاً در کتابخانه دانشگاهی و تخصصی به دنبال بازپسگیری تنها کتاب مفقود شده از مجموعه‌اش می‌رود. چنین طنزهایی نشان دهنده آن است که از کتابخانه انتظار و توقع نقشهای دیگری نیز می‌رود.

بنابراین، ماهیت جامع یا کل‌گرای مجموعه کتابخانه، در امتداد منطقی کارکرد ذخیره‌سازی عمل کرده و سازمانی را به عنوان یادبود تاریخی و میراث نوع بشر تأسیس می‌نماید. کتابخانه یک حافظه اجتماعی جمعی است که امکان حضور و وجود متقابل انتخاب‌کنندگان در نقاط مختلف را روی یک طیف زمان - مکان

فراهم می نماید^{۱۰}.

از سوی دیگر، اشاعه اطلاعاتی که در مجموعه یک کتابخانه جای گرفته شده است از مهمترین کارکردهای کتابخانه است. در واقع جمع آوری و نگهداری داده‌ها و اطلاعاتی که هرگز مورد استفاده قرار نگیرد، نوعی افراط کاری، اسراف، و ولخرجی است چراکه اطلاعات به عنوان یک کالای اقتصادی، طراحی شده است تا همانند بسیاری از کالاها و خدمات دیگر، پس از مرحله تولید مورد مصرف قرار گیرد. بدون احتمال استفاده زیاد، سزاوار نیست که هیچ منبع و مدرکی در مجموعه کتابخانه اندوخته گردد. ارزش واقعی کتابخانه برای جامعه، در حین انجام این کارکرد به درستی و وضوح مشخص می‌گردد.

همچنانکه کارکرد ذخیره سازی، حاصلی از سیستمهای نوین جمع آوری و اکتساب و نگهداری منابع دانش است، کارکرد اشاعه اطلاعات و اطلاع رسانی نیز، نتیجه سیستمهای نوین ارجاع و انتشار منابع دانش می‌باشد.

مک لوپ اشاره کرده که نیازهای اطلاعاتی افراد و گروهها می‌توانند ناشی از خواسته‌های گوناگونی باشند از جمله نیازهای عقلانی، زیبایی شناختی و هنری، تفریحی و سرگرمی، و پژوهشی که این نیازها را می‌توان توسط تهیه و تدارک اطلاعات از سیستم کتابخانه برآورده ساخت. گرچه اطلاعات یک منبع است اما شباهتی به منابع کمیاب نظیر سوختهای فسیلی ندارد چراکه دانشمندان محافظه کار، جوامع و دولتها را به استفاده خردمندان و محتاطانه از منابع فسیلی دعوت می‌کنند در حالیکه اطلاعات به طور بالقوه منبع قابل احیاء و تجدید شونده دائمی است^{۱۱}.

کتابخانه می‌تواند با کنترل کارآمد در زمینه کتابشناسی مواد موجود در مجموعه، سودمندی خود را افزایش داده و اسناد و مدارک اطلاعاتی را بهبود بخشد. در نهایت کتابخانه از طریق برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی قادر است فرصت مغتنمی به دست آورد تا به منزلت و پیگاه یک علم دست یافته و در نتیجه، نقش، اعتبار، و نفوذ خود را در جامعه افزایش دهد.

پانوشته‌ها

۱. هورتون و هانت، ۱۹۸۴، ص ۲۱۱.
۲. راجرز و مک چنسنی، ۱۹۸۴، ص ۶.
۳. راجرز و مک چنسنی، ۱۹۸۴، ص ۶.

5. Karstedt

6. I - awarness

7. We - awarness

8. nation - state

۹. تامسپون و کار، ۱۹۸۷، ص ۱۸.
۱۰. راجرز و مک چنسنی، ۱۹۸۴، ص ۳۲.
۱۱. تامسپون و کار، ۱۹۸۷، ص ۲۸.
۱۲. راجرز و مک چنسنی، ۱۹۸۴، ص ۱۰.

منابع

1. Horton, Paul & Hunt, Chester. L, : "Sociology", Singapore, Mc Graw Hill Book Co, 1984.
2. Rogers, A, Robert & Kathryn Mcchensney: "The Library in Society", Littleton, Colorado, U.S.A, 1984.
3. Thompson, James & Carr Reg: "An Introduction to University Library", Fourth Edition, Clive Bingley, London, 1987.